

## جلسه سوم: تطبیق بین موضوع رسالت انبیاء و هدف قیام سید الشهداء (۱)

### اولین هدف رسالت: دعوت به توحید و ایستادگی در برابر طاغوت‌ها

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ» (نحل: ۳۶)

❖ مرحوم علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» ذیل این آیه می‌نویسند:

«... جمله «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» - به طوری که از سیاق بر می‌آید - بیان [هدف] بعثت رسول است، و معنایش این است که حقیقت بعثت رسول، جز این نیست که بندگان خدای را به عبادت خدا و اجتناب از طاغوت دعوت کند... خداوند به خاطر آن، اشخاصی را مبعوث می‌کند تا شما را به عبادت خدا و دوری از طاغوت‌ها دعوت کنند، و حقیقت این دعوت، انذار و تبشیر است.»<sup>۱</sup>

**توحید بزرگ‌ترین پیام پیغمبران است.** خُب، توحید را چه می‌فهمند امروز و چه تلقین کردند به ملت‌های اسلامی در معنای توحید؟ فکر می‌کنند توحید فقط همین است که انسان در دلش بگوید خدا یک است و دو نیست و معتقد باشد در ذهن خودش که این عالم یک صانعی (آفریننده) دارد و شریکی ندارد، همین است فقط معنای توحید؟ خُب، اگر رسول خدا می‌خواست این را تبلیغ بکند، این قدر دعوا با مشرکین قریش نداشت، این همه مسئله با کفار نداشت. پیغمبر اسلام توحید را جور دیگری معنا می‌کند. توحید عبارت است از حاکمیت الله بر زندگی انسان‌ها، نه فقط اینکه انسان معتقد باشد که یک خدایی هم هست. خُب، خود کفار قریش مگر معتقد به خدا نبودند؟ البته آنها شریک قائل بودند برای خدا، آن شرکا را هم شفعی خودشان می‌دانستند پیش پروردگار. توحید به آن حاق معنای توحید، عبارت از این است که در جامعه حاکمیت خدا باشد. خُب حاکمیت خدا به چیست؟ حاکمیت خدا به این است که اولاً قوانین الهی در جامعه جاری بشود، آن چیزی که قانون الهی است، او در جامعه اجرا بشود؛ نه قوانین بشری، قوانین منطبق باشد با کتاب الله؛ این اول. دوم اینکه آن کسانی در رأس حکومت قرار بگیرند که خلفاء الله باشند.<sup>۲</sup>

**هدف تمام پیامبران، کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم هم یعنی عبودیت؛ «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»** باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید. البته این عبودیت، در زمینه اخلاق، در زمینه عمل فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد، که وقتی بحث عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحث‌های سیاسی، تحلیل‌های سیاسی - تبیین سیاسی - هم در حوزه کار شما قرار می‌گیرد.

اشتباه کسانی که در گذشته مسائل سیاسی را از تبلیغ کنار می‌گذاشتند، در این بود که عبودیت را به منطقه فردی منحصر می‌کردند. آنها این‌جا را غلط می‌فهمیدند و غلط عمل می‌کردند. بله! هدف، کشاندن مردم به عبودیت است؛ منتها عبودیت منطقه وسیعی در زندگی انسان دارد و آن منطقه، به عمل شخصی منحصر نیست. وقتی که عمل جامعه، عمل یک مجموعه عظیم انسانی و مردم یک کشور، عمل اقتصادی، عمل سیاسی و موضع‌گیری‌های سیاسی مشمول بحث عبودیت شد، آن وقت دعوت شما هم می‌تواند شامل این مسائل باشد و باید هم باشد...

وقتی معنای عبودیت الهی این شد که انسان از «انداد الله» اجتناب کند و تبری جوید، باید از همه اشکال آن تبری جوید. «انداد الله»، یک وقت نفس پلید انسانی است که درون اوست؛ «نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»،<sup>۳</sup> یک وقت شیطان است که در دعای صحیفه سجادیه می‌گویید که «او را در وجود من مستقر کردی و به چیزی که مرا از آن متمکن نکردی،

۱. علامه طباطبایی (ره)، ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۳۵۴

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۷/۲/۱۸

۳. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۶۴

تمکن بخشیدی.» یک وقت هم شیطان‌های قدرتمند عرصهٔ سیاسی‌اند که برای اغوا و راهزنی و تسلط و ضربه زدن و به جهنم کشاندن ملت‌ها و شعوب بشری منتظر نشسته‌اند. «انداد الله» اینها نیستند. دعوت به عبودیت، نفی اینها را می‌طلبد.<sup>۴</sup>

❖ بنابر فرهنگ قرآنی، عبادت از یک موجود غیر خدایی، می‌خواهد این موجود یک قدرت سیاسی باشد؛ می‌خواهد یک قدرت مذهبی باشد؛ می‌خواهد یک عامل درونی باشد، مثل نفس انسان، تمایلات نفسانی و شهوانی او؛ می‌خواهد یک موجودی باشد خارج از وجود انسان، اما نه یک قدرت متمرکز سیاسی یا دینی، در مقابل یک زن، در مقابل یک نفر آدمی که برای او انسان یک احترام بی‌جایی قائل است، در مقابل یک دوست؛ عبادت کردن در مقابل اینها یعنی اطاعت کردن اینها. هر کسی که اطاعت کند از کسی یا از چیزی، عبادت او را کرده است. (جلسه یازدهم)

❖ همهٔ انبیای عظام الهی آمدند تا مردم را موحد کنند. موحد کنند یعنی چه؟ یعنی زنجیر اطاعت غیر خدا را از دست و گردن آنها باز کنند. و خود قرآن، به این معنا تصریح می‌کند یک جا؛ «و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم»<sup>۵</sup> تا بار سنگین را از دوش آنان برگیرد و غل‌هایی که بر آنان بسته است، از آنان باز کند. این هم هدف انبیا.

و توحید وقتی که با این دیدگاه نگاه می‌شود، وقتی با این نظر، شما توحید را نگاه می‌کنید، می‌بینید یک فکری است. یک اصلی است اصلاً برای زندگی، مربوط به نظام اجتماعی، مربوط به جهت‌گیری انسان‌ها در همه حال، مربوط به کیفیت زندگی کردن جامعه‌های بشری است. ببین چقدر این توحید تفاوت دارد با توحید خدا یک است و دو نیست خشک بی مغز بی روح و ندانسته؛ توحید یعنی این. (جلسه یازدهم)

### \* اولین هدف قیام در کلام سید الشهداء (علیه السلام): بازگرداندن جامعه به توحید و مبارزه با طاغوت زمان

- امام حسین (ع) هنگام عزیمت به سوی عراق در منزلی بنام «بیضه» خطاب به «حر» خطبه ای ایراد کرد و طی آن انگیزه قیام خود را چنین شرح داد:

مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْأَسَاءِ ثُمَّ وَالْعُدْوَانَ، فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخَلَهُ. وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ عَطَّلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأْتَرُوا بِالْفِئَةِ وَ أَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَ حَرَّمُوا حَلَالَهُ وَ إِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

ص...؛ «مردم! پیامبر خدا(ص) فرمود: هر مسلمانی با حکومت ستمگری مواجه گردد که حرام خدا را حلال شمرده و پیمان الهی را در هم می‌شکند، با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت درآمده در میان بندگان خدا راه گناه و معصیت و تجاوزگری و دشمنی در پیش می‌گیرد، ولی او در مقابل چنین حکومتی، با عمل و یا با گفتار اظهار مخالفت نکند، برخداوند است که آن فرد(ساکت) را به کیفر همان ستمگر (آتش جهنم) محکوم سازد.

مردم! آگاه باشید اینان(بنی امیه) اطاعت خدا را ترک و پیروی از شیطان را بر خود فرض نموده اند، فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل نموده

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

۵ - سوره مبارکه اعراف / آیه ۱۵۷

۶. طبری، همان کتاب، ص ۲۲۹ - ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸ - بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۸۱.

فی، را (که مخصوص به خاندان پیامبر است) به خود اختصاص داده اند و من به هدایت و رهبری جامعه مسلمانان و قیام بر ضد این همه

فساد و مفسدین که دین جدم را تغییر داده اند، از دیگران شایسته ترم.»

● امام علیه السلام، خطاب به فرماندار مدینه می فرماید:

أَيُّهَا الْأَمِيرُ! إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَحَلُّ الرَّحْمَةِ، وَبِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا خَتَمَ، وَيَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبٌ خَمْرٍ، قَاتِلٌ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةَ، مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ، مِثْلِي لَا يُبَايِعُ لِمِثْلِهِ، وَلَكِنْ نُصَبِحُ وَتُصْبِحُونَ، وَنَنْتَظِرُ وَتَنْتَظِرُونَ، أَيُّنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَالْبَيْعَةِ؟

ای امیر! ما خاندان نبوت، و معدن رسالت، و محل آمد و شد فرشتگان، و جایگاه رحمت هستیم. خداوند، امور را با ما می گشاید و با ما می بندد؛ و یزید، مردی فاسق، باده گسار، آدمکش و اهل فسق و فجور آشکار است. همانند منی، با کسی همانند او، بیعت نمی کند؛ ولی ما و شما، صبح می کنیم و منتظر می مانیم، تا معلوم شود که کدام یک برای بیعت و خلافت، شایسته تر است.

قَدْ عَلِمْتَ أَنَا أَهْلُ بَيْتِ الْكِرَامَةِ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَأَعْلَامُ الْحَقِّ الَّذِي أودَعَهُ اللَّهُ (عزوجل) قُلُوبَنَا، وَأَنْطَقَ بِهِ ألسِنَتَنَا، فَتَطَّقْتِ بِإِذْنِ اللَّهِ (عزوجل)، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: «إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى وَلَدِ أَبِي سُفْيَانَ»، وَ كَيْفَ أَبَايَ أَهْلَ بَيْتِ قَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا؟!

می دانی که ما، خاندان کرامت و معدن رسالت و نشانه های حقیقتیم که خداوند، آن (حقیقت) را در دل های ما به ودیعت نهاده و زبان ما را بدان، گویا کرده و زبان ما به اذن خدا، بدان سخن می گوید.

از جدم پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: «خلافت بر خاندان ابو سفیان، حرام است».

حال چگونه من با چنین خاندانی، که پیامبر صلی الله علیه و آله در باره آنان چنین فرموده است بیعت کنم؟!

**\* دومین هدف قیام در کلام سید الشهداء (علیه السلام): اصلاح مردم و مبارزه با فساد**

**هدف ارسال پیامبران در قرآن کریم**

❖ إِذْ قَالَ لَهُمْ صَالِحٌ ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا \* وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ \* الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ ﴿شعراء: ۱۵۰ تا ۱۵۲﴾

حضرت صالح پیامبر خطاب به قوم ثمود گفت: پس، از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. و از اسرافکاران فرمان نبرید. آنان که در زمین فساد می کنند و اهل اصلاح نیستند.

❖ وَإِلَىٰ مَثَلِ الْأَخِثِيِّ إِذْ أَخَذْنَا آلَهُمْ مَثَلًا قَالِ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ... فَادْكُرُوا آيَاتَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿اعراف: ۷۴﴾

و به سوی [قوم] ثمود صالح برادرشان را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید... و نعمتهای خدا را به یاد آورید و در زمین به فساد مپردازید.

❖ **وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾** ... ای هارون! در قوم من جانشینم باش و اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن.

❖ آیت الله العظمی مکارم شیرازی در تبیین این هدف رسالت انبیا می‌فرماید:

این نکته از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران، پایان دادن به فساد در ارض (به معنی و سیعش) بوده است؛

آن چنان که از قول شعیب، پیامبر بزرگ الهی می‌خوانیم که در برابر فساد آن قوم سرکش می‌گوید: «إِنْ أُريدُ إِلَّا الْإِصْلَاحُ مَا اسْتَطَعْتُ» ﴿سوره هود، آیه

۸۸﴾ تنها هدف من این است که تا آنجا که در قدرت دارم به مبارزه با فساد برخیزم و اصلاح کنم.<sup>۸</sup>

### دومین هدف قیام امام حسین (علیه السلام) در کلام سید الشهداء

• امام حسین (علیه السلام) قبل از این که از مدینه به سوی مکه حرکت کند، خطاب به برادرش (محمد بن حنفیه) این وصیت را نوشت:

سم الله الرحمن الرحيم، هذا ما أوصى به الحسين بن علي بن أبي طالب إلى أخيه محمد المعروف بابن الحنفية أن الحسين يشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمداً عبده ورسوله، جاء بالحق من عند الحق وأن الجنة والنار حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها، وأن الله يبعث من في القبور...

إني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وإنما خرجت لطلب النجاح والصلاح في أمة جدي محمد صلى الله عليه وآله، أريد أن أمر بالمعروف وأنهي عن المنكر، وأسير بسيرة جدي محمد صلى الله عليه وآله، وسيرة أبي علي بن أبي طالب...، فمن قبلني بقبول الحق فالله أولى بالحق، ومن رد علي هذا أصبر حتى يقضى الله بيني وبين القوم بالحق، ويحكم بيني وبينهم بالحق، وهو خير الحاكمين.

به درستی که من از روی سرمستی و سرکشی و فسادانگیزی و ستمگری، قیام نکرده‌ام؛ بلکه برای تحقق رستگاری و صلاح در امت جدم محمد صلی الله علیه و آله قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره جدم محمد صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام، رفتار کنم... آن که مرا به حقانیت پذیرفت، [بداند که] خداوند، اولی‌تر است به حق [و پاداش او را خواهد داد] و اگر در این دعوت، دست رد بر سینه من زنند، شکیبایی می‌ورزم تا خداوند، میان من و این گروه، بر پایه حقیقت، داوری کند و به حقیقت، حکم دهد، که او بهترین داوری‌کنندگان است.

• در نامه ای به جمعی از بزرگان بصره به بدعت‌های موجود در جامعه اشاره کرده، و هدفش را از قیام بر ضد حکومت یزید، احیای سنت و مبارزه با بدعتها معرفی می‌کند. می‌فرماید:

«وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (صلى الله عليه وآله) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ، وَإِنْ اسْتَمِعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا

۸. آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص: ۲۲۱

أَمْرِي، أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛ (من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرا می خوانم؛ چرا که (این گروه) سنت پیامبر را از بین برده و

بدعت (در دین) را احیا کردند. اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم.<sup>۹</sup>

- آن گاه که در مسیر کربلا با «فرزدق» ملاقات می کند، به روشنی از بدعتها و خلاف کاری های حاکمان شام و قیام برای نصرت دین خدا سخن می گوید:

«يَا فَرْزَدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكَوْا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ، وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ، وَأَبْطَلُوا الْحُدُودَ، وَشَرِبُوا الْخُمُورَ، وَ

اسْتَأْثَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَأَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَأَعَزَّازِ شَرْعِهِ، وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ، لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛ ای

فرزدق! اینان گروهی اند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و

حدود الهی را از بین بردند، باده ها نوشیدند و دارایی های فقیران و بیچارگان را ویژه خود ساختند و من از هر کس به یاری دین خدا و

سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم. تا آیین خدا پیروز و برتر باشد.<sup>۱۰</sup>

- امام حسین (علیه السلام) هنگامی که از «بطن الرمه» راه افتاد و با عبدالله بن مطیع که از عراق می آمد، برخورد کرد. وی به امام (علیه السلام) سلام

داد و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا! چه چیز تو را از حرم خدا و حرم جد تو بیرون کشاند؟

امام (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَجَوْا مِنْ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَآمَاتِهِ الْبِدْعِ؛ مردم کوفه نامه نوشتند و از

من خواستند که به سوی آنان بروم، بدان امید که (با قیام علیه بنی امیه) نشانه های حق زنده و بدعتها نابود شود.<sup>۱۱</sup>

۹. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶ و بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰.

۱۰. تذکره الخواص، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۱۱. اخبار الطوال، ص ۲۴۵.